

مبانی مدیریت دانش با رویکرد اسلامی

کلیه ظاهر اکبری / دکترای مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

dzaherakbari@gmail.com  orcid.org/0000-0002-7174-9030

mtnorozzi@yahoo.com

محمدتقی نوروزی فرانی / استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

چکیده

امروزه بیش از هر زمانی دیگر، «دانش» و «مدیریت دانش» در سازمان‌ها اهمیت یافته و از دانش به‌مثابه عامل حیات‌بخش و مزیت رقابتی یاد می‌شود. «مدیریت دانش» به معنای خلق، نگهداری، سازمان‌دهی، ترویج و به‌کارگیری دانش است. هدف از پژوهش حاضر تبیین مبانی مدیریت دانش با استفاده از روش «توصیفی - تحلیلی» و رویکرد اسلامی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد توجه به مبانی مدیریت دانش می‌تواند بینش، گرایش و کنش مدیران را نسبت به دانش و چگونگی مدیریت آن تحت تأثیر قرار دهد. براساس مبانی هستی‌شناسانه، دانش نعمتی الهی است و خداوند منبع حقیقی و نهایی دانش به‌شمار می‌ود. با نگاه انسان‌شناختی، انسان موجودی است جست‌وجوگر که خداوند غلبه بر جهل و کشف رموز جهان را در فطرت او نهاده است. از این منظر، انسان موجودی است مکلف که دانش وی محدود بوده و دانش مبناي تکلیف و معیاری برای شایستگی او تلقی می‌گردد. براساس مبانی معرفت‌شناسی، دانش به «حسی و تجربی»، «عقلی و نقلی»، «قلبی و شهودی»، «آفاقی و انفسی» قابل دسته‌بندی است. به لحاظ مبانی ارزش‌شناسی، دانش را می‌توان به «ابزاری و غایی»، «دنیوی و اخروی»، «فکری و معنوی»، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کرد.

کلیدواژه‌ها: مبانی، دانش، مدیریت دانش، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی.

مدیریت دانش یکی از موضوعات نسبتاً نوظهوری است که پژوهشگران زیادی به تبیین فرایندها و مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند. مراد از «دانش» در رویکرد سازمانی، مجموعه شناخت‌ها و مهارت‌هایی است که افراد آن را برای حل مسائل سازمانی به کار می‌برند (برگرون، ۲۰۰۳، ص ۸). دانش نه «داده» است و نه «اطلاعات»، بلکه به لحاظ سلسله‌مراتبی، متفاوت و فراتر از هر دو است. دانش نسبت به «داده» و «اطلاعات»، وسیع‌تر، عمیق‌تر و پرمعناتر است. دانش در حقیقت، تحلیل اطلاعات و اطلاعات تأیید شده است (هاشمیان و منهج، ۱۳۸۶؛ شرما، ۲۰۰۴، ص ۱۹).

«مدیریت دانش» (Knowledge Management) براساس تعریفی که «سازمان بهره‌وری آسیا» ارائه کرده، عبارت است از: روش جامع تولید، تسهیم و به‌کارگیری دانش به‌منظور بهبود بهره‌وری، سودآوری و رشد سازمانی (یانگ، ۱۳۹۱، ص ۱۵). مهم‌ترین بحث در مدیریت دانش، مؤلفه‌ها و فرایندهای مدیریت دانش است که در این رابطه مؤلفه‌های متعددی ارائه شده است. براساس آموزه‌های اسلامی، مؤلفه‌هایی مانند سکوت، کسب، نگهداری، به‌کارگیری و انتشار دانش، به‌مثابه فرایند مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی پیشنهاد شده است (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲).

یکی از نقاط مفقوده در مدیریت دانش، بحث مبانی و پیش‌فرض‌هایی است که می‌تواند بینش، گرایش و کنش مدیران را نسبت به چپستی دانش، مؤلفه‌ها، فرایندها و چگونگی مدیریت دانش تحت تأثیر قرار دهد. بدین‌روی، پژوهش حاضر کوشیده است مبانی مدیریت دانش از منظر اسلام را تبیین نماید؛ زیرا یکی از علل جاودانگی دین اسلام، افزون بر منابع غنی و جامع، مبانی مستحکمی است که پژوهشگران را در موضوعات گوناگون حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی یاری می‌رساند. «مبانی» گزاره‌های خبری و پیش‌فرض‌هایی هستند که یا بدیهی‌اند و یا در علمی دیگر باید به اثبات برسند و بدون پذیرش آنها، هیچ گزاره‌ای در هیچ دانشی به اثبات نخواهد رسید. به این پیش‌فرض‌ها «مبانی» گفته می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

اگرچه مبانی از جهاتی شبیه اصول است، اما هر دو کاملاً به یک معنا نیستند. از این‌رو برخی از پژوهشگران از عدم تفکیک میان مبانی و اصول در علوم اسلامی و معارف بشری، اعم از علوم عقلی و طبیعی ابراز تأسف نموده و در نتیجه هر دو را به یک معنی گرفته‌اند (فلاح‌پور، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

در پژوهش‌های جدیدتر و عمیق‌تری که توسط اندیشمندان مسلمان انجام گرفته، تا حدی دایره مبانی و اصول از هم تفکیک گردیده است. بدین‌روی، اگرچه مبانی و اصول از نظر لغوی، متقارب یا مترادف‌اند؛ اما با توجه به مصادیقی که معمولاً در ذیل عناوین «مبانی» و «اصول» بیان می‌شود و نیز تعاریفی که برای مبنا و اصل بیان می‌شود، تفکیک اصول از مبانی، نه تنها موجه، بلکه لازم است. براساس این تفکیک، مبانی گزاره‌های خبری هستند که از علوم دیگر، مانند هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی اخذ می‌شوند؛ اما اصول گزاره‌های تجویزی هستند که از طریق مقایسه میان مبانی و اهداف به‌دست می‌آیند و راهنمای فعالیت افراد برای تحقق اهداف به‌شمار می‌روند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۲۹۷۶۶).

به عبارت دیگر مبانی با بینش‌ها، باورداشت‌ها و احکام ناظر به هست‌ها و نیست‌ها سروکار دارند. این در حالی است که اصول ناظر به ارزش‌ها و بایسته‌های زندگی فردی و جمعی است (رهنمائی، ۱۳۸۷، ص ۶۸). مبانی به‌مثابه سنگ بنا و زیرساخت دینی و فلسفی است که اهداف، خطمشی‌ها و شیوه‌های عملی در هر زمینه براساس آن بنیان نهاده می‌شود و رفتار انسان را در سطح فردی، گروهی و سازمانی تحت تأثیر قرار می‌دهد (شاکر سلماسی، ۱۳۹۷، ص ۲۶). با توجه به آنچه بیان شد، پرسش اساسی این است که مدیریت دانش براساس آموزه‌های اسلامی بر کدام مبانی استوار است؟ همان‌گونه که اشاره شد، در ارتباط با دانش و مدیریت دانش، مؤلفه‌ها و فرایندها به‌صورت گسترده در ادبیات رایج، و به‌صورت محدود در مدیریت اسلامی بحث شده است؛ اما با جست‌وجوی انجام‌شده و تعریفی که از «مبانی» ارائه شد، تاکنون پژوهشگر به مطالبی در این‌باره دست نیافته است. بدین‌روی، پژوهش حاضر کوشیده است مبانی مدیریت دانش را با الهام از منابع اسلامی بررسی کند و به‌صورت مشخص مبانی هستی‌شناسی، مبانی انسان‌شناسی، مبانی معرفت‌شناسی و مبانی ارزش‌شناسی مدیریت دانش را با نگاه اسلامی تجزیه و تحلیل دهد.

۱. مبانی هستی‌شناسی

هستی‌شناسی یکی از مبانی تأثیرگذار در مدیریت دانش به‌شمار می‌رود. نقطه کانونی در مبانی هستی‌شناسی، خداشناسی و نظریه «توحید» است. براساس این نظریه، خالقیت، مالکیت، ربوبیت، رازقیت، و دانش حقیقی و کامل فقط به خدای «علیم و حکیم» اختصاص دارد. خداوند به بندگانش روزی می‌دهد، امور زندگی آنها را تدبیر می‌نماید و به آنها دانش عطا می‌کند. بنابراین، دانش منشأ الهی و جایگاه قدسی دارد. از این منظر، نقش دانش این است که به شناخت نظام آفرینش و تبیین روابط اجزا و عناصر هستی کمک کند. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹)؛ دانش بجویید که آن رشته میان شما و خداست.

در ارتباط با مبانی مدیریت دانش از منظر آموزه‌های اسلامی، گزاره‌های مهمی وجود دارد که به اختصار در ذیل تبیین می‌گردد:

۱-۱. علم الهی و منشأ دانش

براساس آموزه‌های اسلامی، دانش ریشه در وحی الهی و علم مطلق خداوند دارد. در میان اسما و صفات الهی، «علیم» از ویژگی خاصی برخوردار است؛ زیرا خداوند نه‌تنها خالق و آفریننده انسان، بلکه عالم به احوالات انسان نیز هست. از این منظر، دانش حقیقی و کامل مختص خداوند متعال است و خداوند از راه‌های گوناگون، نظیر ادراک حسی، عقلی، شهود و آموزه‌های وحیانی، دانش را در اختیار انسان قرار می‌دهد. قرآن کریم در برخی آیات، جهل انسان را متذکر شده و نه‌تنها دانش، بلکه برخی از ابزارهای ضروری و اولیه دانش را که خداوند در اختیار انسان قرار داده، یادآوری کرده است؛ می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَتَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ

وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸)؛ و خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد، درحالی که چیزی نمی‌دانستید و به شما گوش و دیدگان و دل‌هایی داد تا شاید سپاسگزار باشید.

ماجرای عرضه اسما به انسان و فرشتگان، و عجز و اعتراف آنها در محدودیت علمشان، بارزترین شاهد بر محدودیت دانش انسان و نامحدود بودن علم الهی است. قرآن می‌فرماید: «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۳۲). خدا همه نام‌ها را به آدم آموخت، سپس آنها را به فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می‌گویید مرا از نام اینها خبر دهید. گفتند: تو را تنزیه می‌کنیم؛ ما دانشی جز آنچه تو به ما آموخته‌ای، نداریم که دانای فرزانه تنها تویی.

دانش بیکران خداوند پایان و محدودیتی ندارد؛ زیرا دانش مطلق، دانش غیب و شهود فقط نزد اوست و کسی جز او آنها را نمی‌داند و به آنچه در خشکی و دریاست آگاه است و هیچ برگی نمی‌افتد، مگر آنکه آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست، مگر آنکه در کتاب خدا ثبت است (انعام: ۵۹). بنابراین، حقیقت دانش فقط نزد خدای متعال است: «إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ» (ملک: ۲۵). فقط او آگاه به غیب و شهود است: «عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» (تغابن: ۱۸)، و هیچ کس به هیچ مقداری از علم و دانش احاطه نمی‌یابد، مگر به اذن خدای تعالی: «وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ» (بقره: ۲۵۵).

براساس این آیه و آیات و روایات متعدد دیگر، نه تنها خداوند منبع حقیقی و نهایی دانش است، بلکه او به انبیا، اولیا و بندگان مقرب خود، دانشی فراتر از دانش انسان‌های معمولی عطا کرده است؛ دانشی که از طریق تفکر و یادگیری به دست نیامده، بلکه از طریق وحی، الهامات غیبی و رؤیاهای صادق از سوی پیامبر اکرم ﷺ به امام نخست، و توسط او به امامان دیگر حاصل شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۲۶۰). بنابراین، انسان‌های برگزیده مانند انبیا و اولیای الهی، به میزان ظرفیت، ارتباط و قربت خود با خداوند، از دانش الهی برخوردار می‌شوند.

۲-۱. دانش نعمت الهی

دانش نعمت الهی است که خداوند به انسان عطا می‌کند. خداوند در سوره «علق»، ماجرای مراحل خلقت انسان و همچنین آموزش انسان به وسیله قلم را به عنوان کرامت الهی یاد کرده است. قرآن می‌فرماید: «أَقْرَأَ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵-۳)؛ بخوان که پروردگارت از هر کریمی کریم‌تر است؛ کسی است که انسان را به وسیله قلم، و چیزهایی را که نمی‌دانست آموزش داد.

براساس آموزه‌های دینی، انسان جویای دانش به هر میزان که از دانش برخوردار شود و بالاترین قله‌های علمی را طی کند، دانش او مانند قطره در مقابل دریاست. همان‌گونه که قطره برای بقا به دریای بیکران نیاز دارد، انسان جویای دانش باید ضمن تلاش بی‌وقفه برای افزایش دانش، از خداوند کمک بخواهد. قرآن می‌فرماید: «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴)؛ بگو پروردگارا، بر دانش من بیفزای. از این منظر، اگر دانش منشأ الهی نداشته باشد، تقاضای کمک از خداوند برای افزایش دانش بی‌معناست.

در سیره پیامبر اکرم علیه السلام نیز آمده است: پیامبر خدا علیه السلام هرگاه سحرگهان برای عبادت و دعا از خواب برمی‌خاستند، یکی از دعاهایشان این بود: خدایا، از تو آمرزش طلب می‌کنم و از تو تقاضا می‌کنم برداشتم بیفزایی (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۸۶). در دعاهایی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «وَ اِنْفَعْنَا بِمَا عَلَّمْنَا وَ زِدْنَا عَلِمًا نَافِعًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۷) و از آنچه به ما آموخته‌ای ما را بهره‌مند گردان و بر دانش سودمند ما بیفزای. نمونه‌هایی از آیات و روایات گویای این واقعیت است که دانش کامل و حقیقی نزد خداوند متعال است و هر کس بخواهد از فیض دانش بهره‌مند گردد، باید همواره در گام نخست به خداوند متعال، و در مراتب نازل‌تر، به پیامبران و اولیای الهی به مثابه سکانداران دانش مراجعه نماید. از همین رو پیامبر اکرم علیه السلام می‌فرماید: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳۰)؛ من شهر علمم و علی دروازه آن است؛ پس هر کس به دنبال علم است باید از دروازه وارد شود.

۳-۱. دانش؛ محور تکلیف

تکالیف وضع شده از سوی خداوند و بسیاری از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی انسان بر مبنای دانش استوار است. براساس آموزه‌های اسلامی، افزون بر «عقل» و «بلوغ» یکی از شرایط تکلیف، «دانش» است. «تکلیف» به معنای موظف بودن انسان در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است. از این منظر، فرد مکلف انسانی است که امر و نهی الهی متوجه اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۸). به عبارت دیگر، افراد جاهل مسئولیت فردی و اجتماعی ندارند و تکالیف الهی از آنها ساقط است. پیامبر اکرم علیه السلام می‌فرماید: «نَهْ خَصْلَتٌ مِنْ بَرَدِ اِسْمَةٍ مِنْ بَرَدِ اِسْمَةٍ...» و از جمله آنها خطا، فراموشی و جهل است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۴۶۳).

آموزه‌های اسلامی برای عالم و جاهل، سلسله‌مراتبی از تکالیف و مسئولیت‌ها را تصویر کرده‌اند. به عبارت دیگر، انسان براساس دانش و توانایی‌هایی که به‌دست می‌آورد، عهده‌دار مسئولیت فردی و اجتماعی و به دنبال آن از منزلت و درجات بالایی برخوردار می‌گردد. قرآن می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱)؛ خداوند تعالی مؤمنان را به یک‌درجه و دانشمندان را به چندین‌درجه برتری داده است.

۲. مبانی انسان‌شناسی

یکی از مبانی تأثیرگذار در مدیریت دانش، مبانی انسان‌شناسی است. در ادبیات رایج، شناخت انسان و دانش او با افراط و تفریط همراه بوده است. بر مبنای انسان‌محوری (اومانیزم) انسان موجودی ناپاک و مقهور طبیعت و در هوای لذت و منفعت بوده و تشنه قدرت معرفی شده است (رهنمائی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۴).

در این رویکرد، دانش نیز نوعی از سرمایه به‌شمار می‌آید که مانند دیگر کالاها سرمایه‌ای، انسان آن را تولید، توزیع و مصرف می‌کند (موسی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۲). اما براساس آموزه‌های اسلامی، انسان در دایره هستی، ره‌توشه‌ای جز تنظیم روابط، همچون رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگر انسان‌ها، رابطه انسان با طبیعت،

رابطه انسان با مصنوعات، رابطه انسان با نظام‌های اجتماعی و سازمانی و همه روابط حاکمیتی و مدیریتی ندارد. از این منظر، همان‌گونه که انسان در اصل آفرینش به خداوند محتاج است، در علم و دانش نیز به خدا نیاز دارد؛ زیرا دانش انسان‌ها محدود و دانش الهی نامحدود است. قرآن می‌فرماید: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵) خداوند چیزهایی را به انسان آموخت که نمی‌دانست.

برخی از پژوهشگران مسلمان به نمونه‌هایی از دانش که از دانش الهی برگرفته شده، با استفاده از آیات قرآن به صورت ذیل اشاره کرده‌اند (ماجدکیلانی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۶):

۱. **دانش زبانی:** «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۳ و ۴)؛ خداوند انسان را آفرید و به او دانش زبانی و بیان آموخت.
 ۲. **دانش دینی:** «وَ إِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ» (مائده: ۱۱۰)؛ و آنگاه که به تو کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم.

۳. **دانش فنی و حرفه‌ای:** «وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ» (انبیاء: ۸۰)؛ و به داود فن زره‌سازی آموختیم تا شمارا از خطرات جنگی حفظ کند.

۴. **دانش علمی و مدیریتی:** «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره: ۲۶۹)؛ خدا به هر کس بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوانی داده شده است، و جز خردمندان کسی پند نمی‌گیرد.

۵. **دانش نوشتن:** «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق: ۴)؛ همان کسی که با قلم آموزش داد.

۶. **دانش پرورش جانوران:** «وَ مَا عَلَّمْنَاهُ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ» (مائده: ۴)؛ و آنچه با جانوران شکاری دست‌آموز به دست می‌آورد که آنچه را خداوند به شما آموخته است به آنها می‌آموزد.

۷. **دانش تحلیل رویدادها و حوادث:** قرآن کریم درباره نعمت‌های خداوند و شکرگزاری‌های حضرت یوسف می‌فرماید: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ» (یوسف: ۱۰۱)؛ پروردگارا، این سلطنت را به من دادی و تعبیر حوادث رؤیایها را به من آموختی.

نمونه‌های مزبور نشان‌دهنده این واقعیت است که منبع حقیقی و نهایی دانش خداست. انسانی که خود را دانشمند معرفی می‌کند و دانش را به خود نسبت می‌دهد همان‌گونه که در اصل آفرینش، نیازمند خدای متعال است، در تمام امور و از جمله دانش نیز به خدا نیاز دارد.

در ارتباط با مبانی مدیریت دانش از بُعد انسان‌شناسی، گزاره‌های مهمی وجود دارد که در ذیل تبیین می‌گردد:

۱-۲. دانش و فطرت انسان

براساس آموزه‌های اسلامی، دانش ریشه در فطرت انسان دارد. انسان موجودی است جست‌وجوگر و کمال‌طلب که خداوند غلبه بر جهل و کشف رموز جهان را در فطرت و سرشت او نهاده است. قرآن عدم تفکر را از ویژگی‌های اهل جهنم برشمرده است؛ زیرا آنان از توانایی‌های ادراکی، مثل بینایی و شنوایی خود استفاده نکرده و به عواقب امور

خود نیندیشیده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف: ۱۷۹)؛ بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریده‌ایم؛ دل‌هایی دارند که با آن فهم نمی‌کنند، چشم‌هایی دارند که با آن نمی‌بینند، گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند. آنان مانند چارپایان، بلکه بسی گمراه‌ترند.

علاوه بر آیات، روایات فراوانی از پیشوایان دینی ارائه شده که انسان را معدن دانش معرفی کرده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الدَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» (کلینی، ۱۴۳۹ق، ج ۱۵، ص ۴۲۲)؛ مردم معادنی هستند همانند معدن‌های طلا و نقره.

همچنین امیر مؤمنان علی علیه السلام انسان‌ها را برای خلق اندیشه، به تفکرات درونی خودشان توجه داده و تشویق کرده‌اند: «أَيَسَّ الْعِلْمُ فِي السَّمَاءِ فَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ وَ لَا فِي الْأَرْضِ فَيَصْعَدُ إِلَيْكُمْ، بَلْ مَخزُونٌ مَكُونٌ فِي قُلُوبِكُمْ؛ تَخَلَّفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ يَظْهَرُ لَكُمْ» (سلیمانی آشتیانی و درایتی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸)؛ دانش نه در آسمان است که بر شما فرود آید و نه در زمین است تا برایتان بیرون آید، بلکه دانش در دل‌هایتان سرشته شده است. متخلق به اخلاق الهی گردید تا بر شما آشکار گردد.

در یک دسته‌بندی، دانش به «حقیقی» و «ظاهری» تقسیم می‌گردد. مبدأ دانش ظاهری یا رسمی حس و عقل، و راه تحصیل آن تعلیم و تعلم است؛ اما مبدأ دانش حقیقی قلب است. این دانش آموختنی نیست و راه تحصیل آن در گام نخست، زایل کردن موانع و در گام دوم، تهیه مقدمات و فراهم کردن زمینه‌های پیدایش آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر آلودگی دل‌ها یا پرگویی شما نبوده، آنچه را من می‌شنوم، می‌شنیدید» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۲۸).

۲-۲. محدودیت دانش انسان

براساس آموزه‌های اسلامی، دانش انسان محدود است. محدودیت دانش انسان علاوه بر اینکه یک مسئله وجدانی است و هر کس آن را در وجود خود درک می‌کند، یافته‌های پژوهشگران نیز آن را تأیید می‌نماید. مفسر بزرگی همچون علی‌بن‌ابراهیم قمی با تأکید بر محدود بودن دانش انسان می‌نویسد: دانش انسان به هر میزانی که رشد کند امور محدودی از اسرار هستی را درک می‌نماید (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۸).

ارزیابی‌ها، آزمون و خطاهای بسیاری از آزمایشگاه‌ها، تبصره قوانین و دستورالعمل‌های بشری، لغو، تغییر و جایگزینی آنها، همگی شواهدی بر محدودیت دانش انسان و خطاهای دانش انسانی هستند. خداوند متعال آفریننده انسان است و از هر جهتی نسبت به انسان آگاهی کامل دارد. خداوند می‌فرماید: «وَمَا أوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵)؛ آنچه از دانش به شما عطا شده اندک است.

همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «فَاعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن اهْتَدَىٰ» (نجم: ۳۹ و ۳۰)؛ پس تو ای پیامبر، از هر که از یاد ما رویگردان است و جز زندگی دنیا نمی‌خواهد، روی بگردان. علمشان تا همین‌جا کارگر است و به حقیقت، پروردگار تو بهتر می‌داند که چه کسی از راه او گمراه شده و چه کسی راه یافته است.

افزون بر آنچه اشاره شد، انسان موجودی است با ابعاد حیوانی و الهی. قلمرو حیات انسان به امور مادی و دنیوی محدود نبوده، بلکه قلمرو حیات انسان، دنیا و آخرت و اهداف او، کمال، سعادت و قرب الهی است. بنابراین، دانشی که بتواند این مسیر طولانی را پوشش دهد و سلسله مراتبی از اهداف کوتاه، میانی و عالی را تبیین نماید، جز از طریق دین و دانش الهی نصیب انسان نخواهد شد.

۳-۲. دانش؛ معیار شایستگی انسان

آموزه‌های اسلامی دانش را معیار شایستگی افراد معرفی کرده است. قرآن کریم ضمن انکار نابرابری دانایی و نادانی، با حالت استفهام می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹)؛ بگو آیا آنها که می‌دانند و آنها که نمی‌دانند یکسان‌اند؟ هرگز، تنها کسانی اهل ذکر و درک هستند که دارای خرد باشند. قرآن کریم افزون بر اینکه به اهمیت دانش و مزایای دانش اشاره کرده، دانش را شاخصی برای گزینش و شایستگی انسان‌های عادی و حتی پیامبران الهی معرفی نموده است. قرآن درباره حضرت طالوت می‌فرماید: خداوند او را از شما سزوارتر دیده است؛ زیرا دانشی بیشتر و تنی نیرومندتر دارد (بقره: ۲۴۷). همچنین درباره حضرت یوسف آمده است که گفت: «خزانه‌های این سرزمین را به من بسپار که من نگهدار و دانایم» (یوسف: ۵۵).

افزون بر آیات قرآن، دانش در سیره معصومان علیهم‌السلام نیز معیار شایستگی معرفی شده است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَ أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۹۵)؛ بارزترین مردم دانشمندترین آنها، و کم‌ارزش‌مندترین مردم نادان‌ترین آنهاست. همچنین امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ای مردم! سزوارترین فرد برای اداره جامعه کسی است که از همه توانمندتر و داناتر باشد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹، خطبه ۱۷۳).

۳. مبانی معرفت‌شناسی

یکی از مبانی تأثیرگذار در مدیریت دانش، معرفت‌شناسی است. مهم‌ترین بحث در معرفت‌شناسی «ماهیت خود دانش» است. به عبارت دیگر، یکی از پرسش‌های اساسی معرفت‌شناسی این است: آیا می‌توان دانش را به‌مثابه چیزی خشک، واقعی و قابل انتقال در شکل ملموس تعریف و ارائه کرد؟ یا دانش ماهیتی نرم، ذهنی، معنوی یا حتی فوق طبیعی دارد؟ (بوریل و مورگان، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

براساس آنچه در مبانی خدانشناسی و انسان‌شناسی بیان شد، خداوند انسان را دارای اراده و اختیار آفریده و او را رها و تنها نگذاشته، بلکه انسان را به نعمت دانش، شناسایی روش و ابزارهای لازم مجهز ساخته است. از این رو راهی برای شناخت حقایق برای انسان موجود است و خداوند نه تنها ابزارها و منابع دانش را در اختیار وی قرار داده، بلکه با دسته‌بندی و اولویت‌سنجی دانش، دستورات و احکامی (همچون واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) را برای دانش ارائه کرده است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۴۴۱).

در ارتباط با مبانی مدیریت دانش از بُعد معرفت‌شناسی، گزاره‌های مهمی وجود دارد که در ذیل تبیین می‌گردد:

۱-۳. دانش حسی و تجربی

براساس آموزه‌های اسلامی، حس و تجربه جزئی از دانش اولیه و ضروری انسان هستند. خداوند ضمن اینکه حس را جزء دانش انسان معرفی کرده، مسئولیت و - به تبع آن - پاداش و تنبیهی را نیز براساس عمل به قوای حسی در نظر گرفته است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مُسَوِّلاً» (اسراء: ۳۶)؛ ای انسان! چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن که روزی درباره گوش و چشم و دل - همه - بازخواست خواهی شد.

دانش از مراتبی برخوردار است و قوای حسی از ضروری‌ترین و - البته - ابتدایی‌ترین دانش انسان به‌شمار می‌روند. حس زمینه‌ساز تجربه است و معمولاً تجربه با کار متوالی، رفع اشتباهات و انجام اصلاحات به‌دست می‌آید. در سفارشی از امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر آمده است: پس کارهای عمال و کارگزاران خود را به دقت بررسی کن و از میان آنان، افرادی را که باتجربه‌اند، برگزین: «ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ... أَهْلَ التَّجَرِبَةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۹، نامه ۵۳). همچنین در بیانی فرمودند: «اندیشه و تجربه پیر نزد من از تلاش و آمادگی رزمی جوانان خوشایندتر و برتر است» (همان، حکمت ۸۶).

همان‌گونه که حس ابتدایی‌ترین ابزار دانش انسان به‌شمار می‌رود، حس به دانش عقلی و قلبی انسان مدد می‌رساند. از این منظر، عقل و قلب ارزش بالاتری نسبت به دانش حسی دارند. در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است: «الْعُقُولُ أَيْمَةُ الْأَفْكَارِ وَالْأَفْكَارُ أَيْمَةُ الْقُلُوبِ وَالْقُلُوبُ أَيْمَةُ الْحَوَاسِ وَالْحَوَاسُ أَيْمَةُ الْأَعْضَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۶)؛ عقل پیشوای فکر، و فکر پیشوای قلب، و قلب پیشوای حواس است. به عبارت دیگر، عقل به فکر جهت می‌دهد، فکر به قلب خط می‌دهد و قلب به حس، و حس به سایر اعضای فرمان کار می‌دهد.

۲-۳. دانش عقلی و نقلی

آموزه‌های دینی عقل را در کنار نقل، منبع اصلی دانش معرفی کرده است. در روایات، بعثت رسولان الهی با کمال عقلی آنها پیوند خورده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند هیچ نبی و رسولی را تا زمانی که عقل او کامل نشد به نبوت و رسالت مبعوث نکرد و عقل او از عقل تمام امتش بالاتر است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۳). امام کاظم علیه السلام خطاب به هشام فرمودند: «ای هشام، خداوند دو حجت برای هدایت انسان معرفی کرد: حجت ظاهری و حجت باطنی. مراد از حجت ظاهری انبیا و رسولان الهی هستند و مراد از حجت باطنی خرد انسان است» (همان، ص ۱۶).

رابطه عقل و نقل، عقل و ایمان، عقل و دین و تعبیرهای مشابه، از جمله مباحث مهم و عمیقی هستند که پژوهشگران و بیش از همه فیلسوفان، متکلمان و فقها به آن پرداخته‌اند. به‌طور کلی، عقل و نقل در ادبیات دینی، زمانی که هر دو یقینی باشند، هیچ‌گاه تعارضی نخواهند داشت و هر دو در تعامل با یکدیگر، منابع اصلی دانش

به‌شمار می‌روند. البته نباید فراموش کرد که عقل انسان به سبب کاستی‌هایی که در تبیین مبدأ و معاد، تشخیص سعادت حقیقی و کمال نهایی انسان دارد، همواره نیازمند دانش دینی است. از این منظر، در مقایسه میان دانش عقلی و دینی، قرآن محوری‌ترین منبع دانش به‌شمار می‌رود و از اولویت ویژه‌ای برخوردار است.

۳-۳. دانش قلبی و شهودی

آموزه‌های دینی قلب را مبدأ اصلی همه ادراکات معرفی کرده است. از این منظر، حس و عقل ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین راه کسب دانش هستند و مبدأ نور دانش «قلب» است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «الْقَلْبُ يُبْوَعُ الْحِكْمَةُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۶).

مهم‌ترین نکته در دانش قلبی این است که دانش قلبی آموختنی نیست و راه تحصیل آن در قدم اول، زایل کردن موانع و در گام دوم، فراهم کردن زمینه‌های پیدایش آن است. به عبارت دیگر، مقدمات دانش قلبی نیاز به تعلیم و تعلم دارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۸).

در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «هر کس برای خداوند چهل روز عبادت خالصانه داشته باشد خداوند چشمه‌های دانش را از قلبش بر زبانش جاری می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۳۲۶).

دانش حقیقی با مقدمات عادی، مطالعه و درس حاصل نمی‌شود، بلکه محتاج تربیت نفس، تهذیب و اخلاص است تا نور معرفت با افاضات الهی بر قلب انسان بتابد. در کلامی از امام صادق علیه السلام آمده است: «دانش نوری است که خداوند آن را در قلب انسان قرار می‌دهد» (توحید مفضل، ۱۴۰۰ق، ص ۳۴۴).

۳-۴. دانش آفاقی و انفسی

آموزه‌های دینی نوعی از دانش را «آفاقی و انفسی» معرفی کرده است. در نقشه جامع مدیریت اسلام «تجما»، از دانش آفاقی و انفسی با عنوان «منابع تکوینی» بحث شده که مصادیق دانش آن عبارتند از:

۱. عقل منبعی و ملحقات آن مانند سیره عقلا؛

۲. انسان و پدیده‌های انسانی؛ مثل خانواده، گروه، سازمان، نهاد، نظام حاکم، جامعه و تاریخ؛

۳. طبیعت و حوادث طبیعی؛

۴. ماورای طبیعت و ملکوت آسمان و زمین (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷).

آیات و روایات زیادی وجود دارد که همه انسان‌ها را به سیر آفاق و انفس فراخوانده است: به «شتر»، به «کوه‌ها»، به «زمین»، به «ستارگان»، به «حیوان»، به «انسان» و... بنگرید. قرآن می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» (عنکبوت: ۲۰)؛ بگو در زمین سیر کنید و نیک نظر کنید که خدا چگونه خلق را آفرید.

در آیه دیگری می‌فرماید: «سَرُّبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» (فصلت: ۵۳)؛ به‌زودی آیات خود را، هم در آفاق و خارج از وجود آنان و هم در داخل وجودشان نشان خواهیم داد تا روشن گردد که خدا حق است. آیا این شهادت برای پروردگار تو بس نیست که او ناظر و گواه بر هر چیزی است؟

امام صادق علیه السلام یکی از باران خود، مفضل، را خطاب قرار داده، فرمودند: «آنک تری»؛ یعنی: تو می بینی. به راستی، اگر مفضل می داند و می بیند، امام از او چه می خواهد؟ امام از او اندیشه و عبرت می خواهد. از این رو مکرر می فرمایند: «ای مفضل، در... اندیشه کن و از... درس و عبرت بگیر». همه مردم می دانند که چوب بر روی آب می ماند و این در نظر آنان امری عادی است و مسئله خاصی در آن نیست. اما امام صادق علیه السلام می فرمایند: «در همین اندیشه کنید» (مفضل، ۱۳۷۹، ص ۲۸).

عادی بودن یک موضوع نباید مانع اندیشیدن شود. انسان از اندیشیدن در چنین موضوعات به ظاهر ساده ای مسائل بزرگی را حل می کند. سقوط سیب را از درخت همه بارها دیده اند؛ اما در این میان تنها نیوتن به قانون بزرگ علمی «جاذبه» پی برد؛ زیرا بدیهی بودن امور مانع اندیشیدن او نشده است. پس باید همه اجزا و روابط عالم را به چشم اندیشه بنگریم.

۴. مبانی ارزش شناسی

ارزش شناسی یکی دیگر از مبانی تأثیرگذار در مدیریت دانش است. «ارزش» در معنای عام، ملاک و معیاری است که براساس آن، انسان به میزان مطلوبیت، خوبی و بدی و یا حد معینی میان این دو، درباره چیزی و یا کسی داوری می کند (ماجدکیانی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۵). «ارزش» در معنای خاص، شامل امور خوب، زیبا، مطلوب و مقدس می شود که در مقابل بدی و زشتی قرار دارد. به این جنبه های منفی «ضد ارزش» گفته می شود (فتحعلی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۷). نقش ارزش ها در زندگی انسان از این لحاظ اهمیت دارد که آینده هر سازمان و جامعه بیش از آنکه بر پیشرفت های فنی، اقتصادی، سیاسی و امثال اینها متکی باشد، بر فرهنگ، دانش و ارزش هایی متکی است که انسان انتخاب می کند. بر این اساس، می توان ارزش و ضد ارزش را در دانش نیز تصویر نموده، دانش را به خوب و بد تقسیم کرد.

از منظر اسلام، دانشی که اهداف آن فقط کسب سود و رفاه مادی و سلطه بر دیگران باشد نه تنها هیچ ارزش و قداستی ندارد، بلکه قبیح و کُشنده است که حتی آموزش، به کارگیری، اخذ اجرت و تمام تصرفات آنها حرام معرفی شده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵). رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «کسی که دانش را صرفاً برای دنیا، ریا و شهرت فراگیرد، خداوند برکت را از وی می گیرد و او را در تنگنای معیشت قرار می دهد و به خودش وامی گذارد. کسی را که خدا او را به خودش واگذارد هلاک می گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۰۰).

دانش در نگاه دیگر، ارزش قدسی و جایگاه الهی دارد. دانش نور است و کمتر چیزی را می توان با آن مقایسه کرد. از همین رو، دانش از برخی عبادات با ارزش تر است و حتی عبادتی که از روی دانش و معرفت نباشد بی ارزش است و یا از ارزش آن کاسته می شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ص ۳۱۷). در ارتباط با مبانی مدیریت دانش از بُعد ارزش شناسی، گزاره های مهمی وجود دارد که در ذیل تبیین می گردد:

۱-۴. ارزش ابزاری و غایی دانش

دانش از سلسله‌مراتب ارزشی برخوردار است که از یک سو ارزش ابزاری و از سوی دیگر ارزش غایی دارد. دانش از این منظر که در مقابل نادانی قرار دارد، دارای ارزش است؛ اما از این منظر که دانش انسان را با حقایق هستی و روابط میان آنها آشنا و آفریننده هستی را به انسان معرفی می‌کند، از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است. برای مثال، دانش و فنی که برای انسان آسایش و رفاه ایجاد کند ارزشمند است؛ اما این دانش و فن اگر سرانجامش رضایت و قرب الهی باشد ارزش غایی دارد.

بر اساس آموزه‌های دینی، اگر انسان اهداف عالی باشد اهداف میانی و ابزاری به‌خودی‌خود حاصل می‌شود؛ اما اگر انسان هدف کوتاهی داشته باشد فقط در همان محدوده می‌ماند و از رسیدن به اهداف عالی باز می‌ماند. رسول اکرم ﷺ درباره حضرت سلیمان فرمودند: «سلیمان بین مال، حکومت و دانش مخیر شد، دانش را برگزید؛ آنگاه حکومت و مال نیز به دنبال انتخاب دانش به او عطا گردید» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱).

۲-۴. ارزش دنیوی و اخروی دانش

دانش ارزش دنیوی و اخروی دارد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ» (همان، ص ۱۳)؛ خیر دنیا و آخرت با دانش، و شر دنیا و آخرت با نادانی است.

با استفاده از آموزه‌های دینی، آثار دنیوی دانش را می‌توان شکیبایی، توانایی، آراستگی، شجاعت، سرافرازی، جهل‌زدایی، هدایت، شرافت، آرامش، و پایان‌ناپذیری معرفی کرد. پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند: «جویندگان دانش را خدای فرشتگان و پیامبران دوست دارند». در حدیث دیگری فرمودند: «خداوند گناهان جویای دانش را می‌بخشد و روزی آنها را به عهده گرفته است» (محمدمدنی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۳۲۴).

از منظر اسلام، دنیا و آخرت با هم در ارتباطند و دنیا مقدمه آخرت به‌شمار می‌رود. از این منظر، اگر دانش در جهت تأمین اهداف آخرت قرار گیرد و صرفاً به امور دنیا محدود نگردد بر ارزش دانش افزوده می‌شود.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «هر کس یک مسئله را فراگیرد، روز قیامت هزار گردن‌بند از نور بر وی می‌آویزند و هزار گناه او را می‌آمرزند و شهری از طلا برایش بنا می‌نهند و بازای هر موی پیکرش برایش حج و عمره می‌نویسند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸). بنابراین، اگر دانش صرفاً در جهت برتری جویی و دنیاطلبی کسب شود موجب دوری انسان از خدا و خشم الهی می‌گردد (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۹).

۳-۴. ارزش فکری و معنوی دانش

دانش از منظر اسلام، سرمایه فکری و معنوی و گنجی تمام‌نشدنی است. امیر مؤمنان علیؑ می‌فرمایند: «الْعِلْمُ كَنْزٌ»؛ دانش گنج است. همچنین در کلامی دیگر فرمودند: «الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ لَأَيْفَنِي» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳)؛ دانش گنج بزرگی است که پایانی ندارد.

سرمایه فکری و معنوی معمولاً در مقابل سرمایه مادی و فیزیکی استفاده می‌شود. سرمایه مادی و فیزیکی مانند ساختمان، اشیا و افراد، سرمایه‌هایی ملموس و قابل اشاره حسی هستند؛ اما سرمایه فکری و معنوی دانش، مهارت، استعداد و خلاقیت نیروی انسانی است که قابل اشاره حسی نبوده، اما ارزش والایی دارد.

فکر نیرویی است که ما را از معلومات به مجهولات رهبری می‌کند و راه تکامل را برای انسان هموار می‌سازد. فکر و تفکر از منظر اسلام، روح عبودیت و بندگی است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۸۴). قرآن مجید مکرر با جملاتی مانند «لَعَلَّكُمْ تَعْمَلُونَ» (بقره: ۷۳)؛ «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره: ۲۱۹)؛ «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه: ۱۷ و ۱۸)؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (محمد: ۲۴) و امثال اینها مردم را به تفکر تشویق کرده است.

رسول اکرم ﷺ درباره رابطه تفکر، عبادت و دانش فرمودند: «یک ساعت تفکر از یک سال عبادت بهتر است. خداوند کسی را در تفکر و اندیشه‌ورزی موفق می‌کند که قلب او را به نور دانش و توحید روشن کرده باشد» (توحید مفضل، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۶).

نتیجه‌گیری

در ارتباط با فرایندها و مؤلفه‌های مدیریت دانش، مباحث وسیعی در ادبیات مدیریت انجام گرفته است. یکی از مباحث اساسی در مدیریت دانش، بحث مبانی است که تاکنون کمتر به آن توجه شده است. بدین‌رو، پژوهش حاضر کوشید مبانی مدیریت دانش از منظر اسلام تبیین گردد. در پژوهش حاضر، مبانی هستی‌شناسی، مبانی انسان‌شناسی، مبانی معرفت‌شناسی و مبانی ارزش‌شناسی با استفاده از آموزه‌های اسلامی تجزیه و تحلیل گردید. براساس مبانی خداشناسی، دانش کامل و بدون نقص مخصوص خداوند متعال است. بدین‌رو، دانش منشأ الهی دارد و بندگان مقرب خداوند به تناسب ظرفیت خود، از دانش به‌عنوان نعمت الهی برخوردار می‌شوند.

براساس مبانی انسان‌شناختی، اگرچه دانش انسان در مقایسه با خداوند متعال محدود است، اما انسان به صورت فطری، موجودی است جست‌وجوگر و کمال‌گرا که دانش مبنای تکلیف و معیاری برای شایستگی وی به‌شمار می‌رود. به لحاظ معرفت‌شناسی، دانش را می‌توان به صورت هرمی و سلسله‌مراتبی (مانند «دانش حسی و تجربی»، «دانش عقلی و نقلی»، «دانش قلبی و شهودی»، «دانش آفاقی و انفسی») دسته‌بندی کرد. این دسته‌بندی گویای این حقیقت است که دانش‌ها به لحاظ ابزار، روش، اهداف، اعتبار و کشف حقایق، در یک مرتبه قرار ندارند.

بدین‌رو، یکی از مبانی تأثیرگذار در مدیریت دانش، مبانی ارزش‌شناختی است؛ بدین‌معنا که دانش، هم ارزش کوتاه‌مدت، ابزاری و دنیوی و هم ارزش بلندمدت، غایی و اخروی دارد. با این نگاه، فرایندهای مدیریت دانش را می‌توان به لحاظ کسب، نگهداری، به‌کارگیری و انتشار در چارچوب مصطلح در فقه (یعنی واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) تجزیه و تحلیل کرد.

نتیجه کلی حاصل از پژوهش حاضر این است که مبانی استخراج‌شده از آموزه‌های اسلامی می‌تواند بینش، گرایش و کنش مدیران را در فرایندهای مزبور و به‌طور کلی، مدیریت دانش تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۹، ترجمه محمد دشتی، چ چهارم، قم، امیرالمؤمنین علیه السلام.
- توحید مفضل (منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام)، ۱۴۰۰ق، بیروت، علمی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- بوریل، گیسون و گارت مورگان، ۱۳۸۳، نظریه‌های کلان جامعه‌شناسی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، تهران و قم، سمت و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و درر الکلم، تصحیح سیدمحمد رجایی، چ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، تهران، مدرسه.
- _____، ۱۳۹۱، مبانی اندیشه اسلامی (۳) انسان، راه و راهنماشناسی، زیر نظر محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، حق و تکلیف در اسلام، قم، اسراء.
- رهنمائی، سیداحمد، ۱۳۸۷، فلسفه تعلیم و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- سلیمانی آشتیانی، مهدی و محمدحسین درایتی، ۱۳۸۷، مجموع رسایل در شرح احادیثی از کافی، قم، دارالحدیث.
- شاکر سلماسی، مجید، ۱۳۹۷، مبانی نظری تقریب مذاهب اسلامی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- عاملی، محمد، ۱۴۰۹ق، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- فقال نیشابوری، محمد، ۱۳۷۵، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، شریف الرضی.
- فتحعلی، محمود و همکاران، ۱۳۸۹، درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، چ نهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- فلاح‌پور، مجید، ۱۳۸۹، مبانی، اصول و روش تفسیری ملاصدرا، تهران، حکمت.
- قمی، علی‌ابن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، تصحیح طیب موسوی جزائری، چ سوم، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، قم، دارالحدیث.
- گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۵، نقشه جامع مدیریت اسلامی، قم، دانشگاه قم.
- ماجدکیلانی، عرسان، ۱۳۹۰، فلسفه تربیت اسلامی، چ دوم، تهران و قم، سمت و حوزه و دانشگاه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، حسین‌بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- محمدری شهری، محمد، ۱۳۷۹، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث.
- مفضل بن عمر، ۱۳۷۹، توحید، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، الامالی، قم، کنگره شیخ مفید.
- منطقی، محسن و ظاهر اکبری، ۱۳۹۲، «مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۷، ص ۳۱-۵۷.
- موسی‌خانی، محمد و همکاران، ۱۳۹۲، «مدیریت دانش دینی (دین‌بنیان)»، اسلام و مدیریت، ش ۳، ص ۲۵-۲۸.
- هاشمیان، ناهید و محمدباقر منهای، ۱۳۸۶، «دانش چیست؟ مروری ادبیات، مقایسه تعاریف، ارائه تعریف جدید»، ره یافت، ش ۴۰، ص ۱۹-۳۷.
- یانگ، رونالد، ۱۳۹۱، راهنمای ابزارها و فنون مدیریت دانش، ترجمه علی حسین کشاورزی، تهران، سمت.